

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات الهی است که در روابط انسانی به‌منظور اصلاح امور در خانواده و جامعه به کار می‌رود، اما چگونه باید باشد؟ آیا تا امروز اثر گذاری کافی را داشته‌است؟ امکان ندارد کسی یا خشمم امر به معروف کند و از آن نتیجه هم بگیرد. بنابراین باید رفتاری صحیح در امر به معروف و نهی از منکر انجام شودو زمان مناسبی نیز برای آن انتخاب شود تا تأثیر گذار باشد؛ موضوعی که هر کس باید در آن تخصص کسب کند. بدون شک، فهم درست از امر به معروف و نهی از منکر و همچنین انجام آن به بهترین شکل ممکن می‌تواند در اثر گذاری آن نقش پررنگی داشته باشد؛ موضوعی که «جوان» در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین امیر رضا سلطانی، کارشناس معارف اسلامی مورد بررسی قرار داده است.

■ ■ ■

به نظر شما بهترین روش برای انجام امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ما چیست؟

رسیدن به روش و راهکار، مبتنی بر این است که امر به معروف و نهی از منکر را تعریف کنیم و هویت واقعی آن برایمان مشخص شود. تعریف را پیدا کنیم، راه مشخص می‌شود، اما متأسفانه در مورد اینکه امر به معروف و نهی از منکر چیست، هیچ بحثی نمی‌شود. در حوزه، بیشتر مشغول جنبه‌های مجازات و تنبیه امر به معروف و نهی از منکر هستیم یا اینکه به این موضوع به عنوان یک موضوع اجتماعی و مذهبی بپردازیم، دنبال این هستیم که چه حدود و تعزیراتی وجود دارد تا آن را اعمال کنیم، مثلاً ببینیم کجا گناه می‌شود تا فوراً بالا سر گناهکار برویم و سفره مجازات را بپهن کنیم؛ در واقع بیشتر در بخش احکام و مجازات وارد شده‌ایم تا بخش معارف. فراموش کرده‌ایم که امر به معروف و نهی از منکر، برای ساختن جامعه است نه برای اینکه ابزاری شود برای تنبیه مردم.

امر به معروف یعنی به جامعه، ساختن و شخصیت دادن، یعنی جامعه مثبت‌ها و منفی‌ها را بشناسد و انگیزه پیدا کند، مثبت‌ها را در زندگی اجتماعی جدی بگیرد و منفی‌ها را کنترل و ترک کند.

گریز رسیدن به راهکار پاسخ به این سؤال بسیار مهم است؛ از دید ما امر به معروف و نهی از منکر تنبیه است یا ساختن

ساختن جامعه؟

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْمَعْرُوفُ وَلَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ الْإِمَانُ كَانِ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: رَفِيقٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى عَنْهُ، عَدْلٌ فِيمَا يَأْمُرُ بِهِ عَدْلٌ فِيمَا يَنْهَى عَنْهُ، عَالِمٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَنْهُ»؛ اینها یعنی: ۱. اهل مدارا باشیم نه اهل خشنوت و بی‌ادبی و نهمت و بد اخلاقی... ۲. اهل عدالت باشیم، عدل یعنی هر چیزی دقیقاً سر جای خودش باشد. ۳. باید معروف و منکر را بشناسیم، «اینها یعنی امر به معروف کار هر کسی نیست، اما می‌بینیم در جامعه، هر کسی بدون تخصص و بدون دقت راه افتاده و به شیوه دلخواه خود، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند؛ در صورتی که «مداراکردن»، «با عدالت رفتار کردن» و «داشتن علم و دانایی» برای انجام این کار مهم است و کسانی که این سه را ندارد یعنی تخصص این کار را ندارد.

پس چرا به این اصل دقت نکرده و سراغ تنبیه رفتهایم؟

آن چیزی که اکثر در جامعه شاهدش هستیم این است که چون تہذیب از بین رفته این منیت‌ها و ادعاها وجود دارد و این بین هم نمی‌رود، وقتی ادعا از بین نرود، خودمان را دست بالا و پاک و منزه می‌دانیم و شروع به تنبیه و ابراز خشنوت در قبال طرف مقابل می‌کنیم. البته این فقط مربوط به امر به معروف نیست، در بحث فرزند و خانواده هم همین است. یک نفر افتخار می‌کرد که بچه‌اش را زده. اینها افتخار ندارد. حضرت یوسف در داستان زلیخا به خدا می‌فرماید: «وَمَا أَتَىٰ نَفْسِي، خدایا من خود را تبریئه نمی‌کنم.» این نشان می‌دهد بسوی نمی‌خواهد خودش را دست بالا بگیرد، اما آدمی که خودش را دست بالا نگیرد چه می‌شود؟ زلیخا عاشقش می‌شود، اول زیبایی صورت و بعد،

مدیر کل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با اشاره به سبوس‌گیری ۱۸ تا ۲۲ درصدی از آردهای تولیدی در کشور گفت: این میزان سبوس‌گیری در حالی است که میزان استاندارد سبوس‌گیری از آرد باید ۶ تا ۷ درصد باشد!

با وجود اثبات فواید پرشمار نان کامل، بسیاری از تولیدکنندگان آرد به دلیل سودی که از فروش سبوس به صنایع دامداری حاصل می‌شود، اقدام به سبوس‌گیری از آرد می‌کنند و سبوس استخراج‌شده را به صورت جداگانه به فروش می‌رسانند، همین موضوع سبب شده‌است سلامتی مردم کشورمان، قربانی سودجویی عده‌ای از فعالان صنعت تولید نان و واسطه‌های فروش سبوس شود.

کارشناس می‌گویند سودآوری بسیار پایین و گاهی زیان‌ده بودن تولید آرد کامل، سبب شده‌است کارخانجات تولیدکننده آرد تمایلی به تولید آرد سبوس‌دار نداشته‌باشند.

قرار بود براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، تا پایان سال

چیزی که تأثیر اصلی را گذاشت، زیبایی سیرت بود، جذابیت شخصیت یوسف این بود که از بالا به گناهکار نگاه نمی‌کرد. برویم ببینیم حضرت علی علیه‌السلام، بالاترین الگوی ما شیعیان، نگاهش وحس و حالش چگونه بوده‌است، ایشان در دعای کمیل به خدا عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَمَّرْتَهُ، خدایا! مولای من، چه بسیار بدی و زشتی که از من صادر شد و تو آن را پوشاندی.» ایشان اهل ظاهر و تفاخر نبود و با واقعیات زندگی می‌کرد.

منظور تان این است آنهایی که به سراغ خشنوت و تنبیه دیگران برای امر به معروف و نهی از منکر رفتند، خودشان را دست بالا می‌پنند؟

بله درست است و در گیر چهل مرکب هستند. چهل مرکب یعنی اینکه فرد فکر می‌کند می‌داند ولی نمی‌داند، اسباب تقویت چهل مرکب هم بی‌نهایت فراهم است. از طرفی، نقطه مقابل علم، چهل است. علم برای هدایت جامعه و خودمان خیلی مهم است، با احتمالات و در صد و ظن و گمان به حقیقت نمی‌رسیم، کسی که اهل علم است، تمام انرژی خود را می‌گذارد برای اینکه چهل مرکب خودش را مهیار کند. این شرط اینکه در ما را به خودمان مشغول می‌کند که وقت نمی‌کنیم سراسر دیگران بروسیم. حضرت علی **عُيُوبُ النَّاسِ**، خوشا کسی که پرداختن به عیب خود او را از عیب دیگر مردم بازمی‌دارد. «کسی که عاقل، عالم و جوای علم باشد به عیوب خودش می‌پردازد، چون خود را سرتا پا چهل و نقص و عیب می‌بیند، اما در جامعه ما این نگاه برعکس است، ما دیگران را سرشار از عیب و نقص می‌بینیم و خودمان را میرا. در حالی که این نگاه باید برعکس باشد، اساس باید خودمان باشد.

خب در این صورت که باب امر به معروف

بسته می‌شود!

اتفاقاً با این کار، باب چهل مرکب بسته می‌شود. نمونه بارزش داستان حضرت یوسف است، یوسف تنبیه و تحقیر و قصاص نکرد، بخشید و خودش را دست بالا نگرفت و جامعه، خودش را متحیر کرد، چه کسی گفته برای ایجاد تحول باید برویم سبلی بزنیم و سفره خشنوت را بپهن کنیم؟ چه کسی گفته برای ایجاد تحول باید خشنوت به خرج داد و بگیر و ببند راه بیندازیم؟ چرا ما امر به معروف را تنبیه دیگران می‌دانیم؟ همان نکته‌ای که در شروع صحبتیم عرض کردم؛ ما امر به معروف را ساختن ندیدیم، بنابراین اول باید خودمان را بسازیم تا باب چهل مرکب بسته شود.

قرآن در سوره عصر می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ؛

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۵۲۳۰

انسان در اشکالات غوطه‌ور است مگر کسانی که ایمان و عمل صالح داشته باشند و اینها به ادعا و زبان نیست.»

پیامبر(ص) تقصیر و ایرادات را در مردم می‌دید و درست و غلط را می‌دانست، اما خودش را مقصر نمی‌دید، تا جایی که ایه نازل شد: «هَلْ مَا أَتَيْنَا عَلَیْكَ الْفُرْعَانَ لِنَشْفِيَ؛ ما نمی‌خواهیم خودت را برای هدایت مردم به این مشقت بیندازی.» این ایه تأیید می‌کند که قرآن نازل شده برای همین روحیه پیامبر(ص)، اینکه خودش را دست بالانمی‌گیرد و برای دستگیری از همه، نهایت عشق و محبت را به کار می‌گیرد و خودش را مقصر مشکلات مردم می‌داند.

بنابراین مؤمن باید به خودش بدمگمان باشد، خودش را ایراددار و مقصر بداند، طلبکار از دیگران نباشد، ما چطور می‌توانیم به این علم برسیم؟ این را باید دقت کنیم که اصلاً رویکردمان از امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ امر به معروف و نهی از منکر، تقویت جامعه، اجتماع، انسانیت و انسان‌ها است. اگر این رویکردمان است چرا باید دستور بدهیم و

کسی که عاقل، عالم و جوای علم باشد به عیوب خودش می‌پردازد، چون خود را سر تا پا نقص و عیب می‌بیند، اما در جامعه ما این نگاه بر عکس است، ما دیگران را سرشار از عیب و نقص می‌بینیم و خودمان را میرا. در حالی که این نگاه باید بر عکس باشد، اساس باید خودمان باشد

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۵۲۳۰

بررسی روش‌های اثر گذار امر به معروف و نهی از منکر در گفت‌وگوی کارشناس معارف اسلامی با «جوان»

امر به معروف برای ساختن جامعه است نه تنبیه مردم



نه نمازی که بعد از اقامه آن بقیه افراد را حشرات ببینیم و اهل جهنم! ما کسی نیستیم. از امام حسین علیه‌السلام می‌پرستند معنی ادب چیست؟ حضرت می‌فرماید: «ادب آن است که از خانه که بیرون می‌روی، هیچ کس را دیدار نکنی، مگر اینکه او را برتر از خودت پنداری.» اگر کسی را با فضیلت‌تر و برتر از خودمان ببینیم، برایش تعیین تکلیف نمی‌کنیم، با او با خشونت رفتار نمی‌کنیم، تحقیرش نمی‌کنیم و آن وقت است که همه این غلط‌ها سفره‌اش جمع می‌شود.

متأسفانه ما به این اصول بی‌توجهیم و فقط می‌خواهیم هر طور که شده امر به معروف و نهی از منکر کنیم! ما هنوز در آن چیزی که اشکال دارد، مانده‌ایم. در صورتی که اگر تعریف و هویت امر به معروف و نهی از منکر مشخص شود، راهکارها هم روشن است. متأسفانه ما امر به معروف فضای روانی جامعه را به هم زدیم در صورتی که باید به کمک آن به جامعه ساختار و شخصیت بدهیم. جامعه‌ای کرامت دارد که به شخصیت‌ها، عزت نفس و احترام‌ها توجه شده‌است. شخصی که او توهین شده، بی‌ادبی شده، تحقیر شده، شخصی که ترک برداشته، چگونه می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر را بپذیرد. اینها نکات و مباحث عمیق تربیتی است که سال‌ها در آرشیو مانده و کسی به آن نپرداخته‌است.

چه کسانی یا کسانی باید تعریف اصلی امر به معروف و نهی از منکر را به جامعه

در مرحله اول، حوزه باید به آن بپردازد که متأسفانه به جای دستور دادن سراسر تأثیر گذاری برویم. در دستور دادن اثر بخشی نیست. بدون شک آدم‌ها از دستور‌ها نافرمانی می‌کنند، احساس می‌کنند غیر خدا می‌خواهد بر آنها مسلط شود. این روحیه‌ای است که خدا در انسان قرار داده که دستورات را نمی‌پذیرد و در مقابلشان جبهه نشان می‌دهد، مقابله به مثل می‌کند و در نهایت هم درگیری ایجاد می‌شود. آیا تحولی مقابلشان جبهه نشان می‌دهد، مقابله به مثل می‌کند و در نهایت هم درگیری ایجاد می‌شود. این تحولی که در مراکز علمی در افراد ایجاد می‌شود، با دستور دادن بوده‌است؟ پس چطور آقایان فکر می‌کنند امر به معروف، هویت سلسله مراتبی و دستوری دارد؟ به نظر من، آنها یا دنبال تأثیر پیدا می‌کنند یا همان درگیر همان چهل مرکبی هستند که عرض کردم، بنابراین همانگونه که توضیح دادم، پله اول این است هر کسی اول خودش را رنجات دهد، نه یک نفر دیگر را. چون اگر هر کس خودش را عین کسی که می‌خواهد نتوانش بدهد ببیند، اینکه مثل او است، پس باید اول خودش را نجات بدهد و اصلاح کند.

چه کسی گفته ما سفینه‌النجاه هستیم؟ امر به معروف یعنی اینکه من خودم را درست کنیم، آن وقت دیگران می‌بینند و علاقه‌مند به شاخصه‌های جذاب می‌شوند. در زیارت‌امین‌الله به خدا عرضه می‌داریم: «مُخَبَّرُوبَةُ فِی أَرْضِکَ وَ سَمَائِکَ»، «خدایا مرا در زمین و آسمانت محبوب قرار بده» پس امر به معروف و نهی از منکر برای این است که از شرایطی که باعث رنجش دیگرانیم دربیاییم به اینکه دنبال این باشیم که دیگران را اذیت کنیم. اینکه مردم ما را درست داشته‌باشند، محبوب شویم و به خاطر زیبایی‌هایی که از ما می‌بینند، جذب شوند.

زیباترین شخصیتی که یک انسان می‌تواند پیدا کند این است که مردم احساس کنند با او برادرند، برادری که حسن برابری می‌دهد و با او راحت هستند. کسی که خودش را هم قد بقیه مردم جامعه می‌بیند، آن وقت مردم او را می‌پذیرند و اثر گذاری با این حس و حال ایجاد می‌شود نه دستور دادن.

پس یکی از موانع امر به معروف و نهی از منکر همین خودپر تربینی است.

بله قطعاً. در ابتدای صحبت اشاره به حدیث پیامبر(ص) کردم که **عَدْلٌ فِيمَا يَأْمُرُ بِهِ عَدْلٌ فِيمَا يَنْهَى عَنْهُ**، عدل یعنی هر چیزی سر جای خودش باشد. باید از خدایی استعفا بدهیم و بنده خدا باشیم، بعضی اوقات به جایگاهی می‌رویم که برای خداس. برای بنده خدا، تکیه شایسته نیست. حضرت زهرا (س) فرمود: خدا نماز را برای پاک شدن از خودپر تربینی قرار داده‌است. نمازی، نماز است که همه کبر را بشوید و ببرد، انجام نمی‌پذیرد.

از آرد سبوس‌گیری می‌کنند! این در حالی است که بر اساس استاندارد نان کامل، میزان استاندارد سبوس‌گیری از آرد باید ۲ تا ۶ درصد باشد؛ که این میزان سبوس‌گیری نیز برای از بین رفتن آلاینده‌ها و فلزات سنگین لحاظ شده‌است و مابقی سبوس باید در آرد بماند که فیبر کافی را برای سلامتی انسان تأمین کند.



مدیر کل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت با ابراز اینکه دغدغه تولیدکنندگان بیشتر به‌دلیل قیمت پایین نان کامل در کشور است، گفت: پیشنهاد ما این است که تولید نان کامل بدون افزایش قیمت برای مردم انجام شود، اما تولیدکنندگان نیز به دنبال سود و منافع خود هستند، بنابراین سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان باید پای کار بیاید و این موضوع را مدیریت کند.



ابتلای جمعی امت

آیا مردم گمان کرده‌اند همین که بگویند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آنان مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ این آیه‌ای تکان دهنده و سهمگین از قرآن کریم است که مردم و امت‌ها را از آزمایش‌ها و فتنه‌هایی قطعی در ساحت فردی و جمعی بیم می‌دهد. هر امتی که پای در وادی ایمان بگذارد و عزم حرکت بسوی آرمان‌های الهی کند، ناگزیر باید که آماده صحنه فتنه‌ها و ابتلاات باشد.

در نگاه توحیدی به وقایع و حوادث عالم باید که دست ربوبی خداوند را در تکتک پیشامدها و حوادث دید، چرا که او (عزوجل) خود صراحتاً فرموده که این آزمایشات و امتحان‌ها از سوسى ما بر سر امت‌ها نازل می‌شود. «وپی‌شک شمارا باندگی ترس و سنگی و کاهش اموال و از دست رفتن کسان و ثمرات می‌آزمایم.» و امت اگر به سلامت و موفقیت از دل این ابتلاات عظیم جمعی خارج شود، سه دست‌آور فوق‌العاده الهی به دست خواهد آورد که باداشی بزرگ و جهشی بی‌نظیر در پیشبرد اهداف و آرمان‌هایش خواهد بود؛ «صلوات از جانب پروردگار» «رحمتی بزرگ» و «هدایت الهی» هر کدام از این سه دست‌آور بزرگ خود برای رساندن یک‌امت به سر منزل مقصود کفایت می‌کند، اما حال وعده هر سه این دست‌آوردها به یکبارہ در پس گذر از ابتلاات به مردم داده شده‌است.

نزول «صلوات از جانب پروردگار» در آیه‌ای دیگر از آیات قرآن کریم باعث «گذر از ظلمات به نور» عنوان شده‌است. گویی اگر امت در ابتلاات الهی استقامت و پایداری از خود نشان دهد و دست در دست ولی امت حرکت کند، دستی از جانب پرورگار این امت را از وادی ظلمات خارج و به وادی نور وارد خواهد ساخت.

در معارف توحیدی، ابتلا اساساً بستری برای رشد و تربیت امت و جامعه عنوان شده‌است و هیچ عاملی به اندازه بیلای الهی باعث تهذیب امت‌ها نمی‌شود. پس هیچ امت و جامعه توحیدی به رستگاری نخواهد رسید، مگر اینکه از دل وادی بلایای سهمگین الهی به سلامت عبور کند و هر قدر که امت به قله‌های سعادت و رستگاری نزدیک و نزدیک‌تر شود، دامنه این ابتلاات وسیع‌تر و شدت آن بیشتر می‌شود. که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود «فَإِنَّ أَحِبَّاهُ سَبَّحَانَهُ قَوْماً ابْتِلَاهُمْ». هرگاه که خداوند امتی را دوست داشته‌باشد، بر آنان بلا می‌فرستد. حوادث اخیر امت اسلام و انقلاب و از دست دادن جان‌های عزیز و مطهر و شهادت این مردان بزرگ را نیز باید ذیل همین مفهوم ابتلاات جمعی امت، خویش کرد تا با استقامت و پایدردی در این امتحان و بلا و حرکت در منظومه کرداری تعیین شده توسط ولی جامعه از دل طوفان ابتلاات گذر و گشایش و نورایت و برکت آغوش خود را بر جامعه باز کند.

وعده الهی این است که در پس ابتلاات بزرگ، گشایش‌هایی بزرگ‌تر نهفته‌است. حال شاید تا توجه به این نکته، فهم کلام غریب رهبر معظم انقلاب ساده‌تر شود که شهادت این عزیزان را «جهارک و با برکت» و «فرصت بزرگ برای کشور و اسلام» نامیدند. امید که با استقامت همیشگی امت مسلمان ایران در این ابتلا پاب فتح الفتوح نهایی انقلاب روی جامعه اسلامی گشوده شود.



امر به معروف نوین را جایگزین نهی از منکر سستی کنید

آشنا کردن افراد با وظایف معنوی اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی اهرم‌های مختلفی را نیاز دارد تا بتوان به وسیله آنها به اهداف مطلوب رسید. متأسفانه برداشت مفاهیم نادرست از دو وظیفه اخلاقی اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر باعث شده این رسالت‌های خطریر اجتماعی و فرهنگی مورد مخالفت افراد کم‌آگاه درباره آنها شود.



مجید ابریری

جامعه‌شناس

در یک جمله از نظر رفتارشناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی آنچه برای بنیان انسانیت و سلامت اخلاقی و معنویت مفید است، معروف خوانده می‌شود و هر چه برای رفتارهای بشری و کیان انسانی در جامعه زیان‌آور باشد منکر نامیده می‌شود. هیچ‌یک از مکاتب دینی به اندازه دین مبین اسلام بر این دو اهرم فرهنگی و اخلاقی تکیه ننموده و روش‌های متعالی و کاربردی برای پیشبرد آنها مطرح نکرده‌است. گاهی که انسان توانایی فردی و فرهنگی و اجتماعی برای دور نگه‌داشتن هموعان و اعضای جامعه از زشتی‌ها و بدی‌ها دارد باید از طریق گفتمان و حتی فعالیت‌های فیزیکی وارد میدان شده و از سقوط هموعان به باتلاق‌های زیستی جلوگیری کند؛ اگر خطر جانی و زیستی برای او وجود داشته باشد، حداقل با زشت شمردن این گونه رفتارها در دل و ذهن خویش از آنها دوری جوید. آشنا کردن هموعان با خوبی‌ها و مسیرهای رشد تعالی همان امر به معروف است که می‌تواند از دعوت به ورژش، دور ماندن از اعتیاد و فساد اخلاقی، ایجاد صحت اجتماعی و سلامت فرهنگی تعریف شود. امروز کارشناسان و تحقیکان علوم انسانی و اجتماعی عقیده دارند که استفاده از افراد و فنون روز برای رسیدن به هدف‌های یاد شده ضروری و بلکه واجب است. بهره‌گیری از فضای مجازی و سکوهای اینترنتی که امروزه عرصه تاخت و تاز مهاجمان فرهنگی و راهزنان اخلاقی شده از ضرورت‌های کاربردی است. ملاطفت، مهربانی، اخلاق حسنه و رأفت اجتماعی رفتارهای ضروری در دعوت به خوبی‌ها و پیشگیری از زشتی‌ها و بدی‌ها بسیار مؤثر و لازم به شمار می‌آیند.

امروز جهان‌های نسل زد که با در دست داشتن گوشی‌های هوشمند و دسترسی به فضای مجازی در تهاجم فکری و ذهنی دشمنان قرار گرفته‌اند، اصلی‌ترین هدف‌های تهاجم فرهنگی و راهزنی‌های اینترنتی هستند.

متأسفانه به‌خودهای سلبی نتوانسته اهداف را محقق سازد؛ آموزش به والدین و مربیان در مدارس و مراکز علمی و آموزشی مؤثر است. همچنین استفاده از فضای مجازی برای مقابله با تهاجم فرهنگی اصلی‌ترین و لازم‌ترین ابزار موفقیت به شمار می‌آید.

کارشناسان محترم دینی با به کار بستن روش‌های نو و ایجاد فضاهای مناسب برای تبادل اندیشه‌های مثبت به خوبی می‌توانند با انواع تهاجم دشمنان مقابله کنند.

امروز نیروی اصلی دشمن متمرکز بر دین‌ستیزی و اخلاق‌گریزی برای جوانان شده‌است. در محورهای یاد شده باید از نتخبگان دینی، دانشمندان اجتماعی و فرهنگی بهره گرفته و با ابزار دشمن به خود او حمله کنیم؛ نمی‌توان با تیر و کمان به جنگ تانک و مسلسل رفت. تا دیرتر نشده با هم‌اندیشی‌های مؤثر باید به تقابل با دشمنان پرداخت و فرزندان جامعه را در مقابل آنها واکسینه کرد.